

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Letters & Suggestions

نامه ها و پیشنهاد ها

عبدالله امینی - کابل

۲۵ می ۲۰۱۵

قابل توجه استاد هاشمیان در امریکا



نامه انتقادی شما را در پورتال معظم "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" به ارتباط گزارش اینجانب در مورد وفات مرحوم عزیزالله واصفی مشاهده کردم. قبل از همه از جناب شما متشکرم که که به پورتال شجاعان نظر می افکنید و مطالب ضد استعماری و ضد امپریالیستی آن را می خوانید. کمتر سایتی وجود دارد که بتواند با این شهامت و جرأت موضوعات مختلف را به نشر بسپارد. اما تعجب من درین است که چرا جناب شما بعد از مدت ۱۵ روز متوجه این گزارش شدید. پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" گزارش اینجانب مربوط به وفات مرحوم واصفی را به تاریخ ۸ می به چاپ رسانید و نامه انتقادی شما را به تاریخ ۲۳ می نشر نمود. خدا نکند که کس دیگری شما را متوجه این گزارش ساخته و به شما گفته باشد که با پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" احتیاط کنید که اینطور موضوعات را رویت می دهد. به هر حال می پردازم به اصل مطلب.

۱. من متوقع بودم که شما منحیث یک دانشمند و استاد پوهنتون و نویسنده، اصل امتداری رادر نقل قول مراعات می کردید. توجه فرمائید که من گزارش را چنین عنوان دادم: «بچه "بچه سقو" فوت کرد». اما شما بزرگوار آن را چنین قلب ساختید: «بچه بچه سقو مرد». البته هر دو جمله عین مطلب را افاده می کند، لکن در عرف ما مردم همیشه کلمه "فوت" را به کار می برند، زیرا مؤدبانه تر از کلمه "مُرد" است. شما اهل دانش بهتر

می دانید که نقل قول مطالب باید با دقت کامل انجام شود تا سوء تفاهم و سوء نظر را سبب نگردد، طوریکه اکنون اتفاق افتاده است. از آن گذشته از قلم انداختن علامت «..» که به غرض خاصی مورد استفاده قرار گرفته بود، نیز تحریفی در نیت نویسنده به شمار می رود. امری که انجام آن شایسته فردی با القاب علمی تان نیست.

۲. شما می فرمائید که ۹۰ فیصد این راپور غلط و جعلی و ۱۰ فیصد آن صحیح می باشد. هم میهنان ما از کجا بدانند که معلومات شما ۹۰ فیصد درست است. جناب شما در نامه اعتراضیه خود منابعی را که ۹۰ درصد "معلومات درست" شما را تأیید بدارد، ارائه نداده اید. پس ممکن است که حتی ۹۵ درصد معلومات شما هم ناقص باشد. لذا تا زمان حل علمی رابطه خونی مرحوم واصفی با امیر حبیب الله کلکانی "بچه سقو" که از طریق تحلیل دی ان ای (DNA) امکان پذیر است، بر این موضوع سنگ می گذاریم.

۳. مردم به این عقیده اند که شباهت وزنی بین اسمای مرحوم واصفی و مرحوم "بچه سقو" وجود دارد که این دو را پیوند خونی می دهد. اسم "بچه سقو" حبیب الله بود و اسم واصفی عزیزالله. کلمه الله از آخر اسم سایر پسران مرحوم عبدالرشید خان حذف شده است، و الا آنها باید فرید الله و حکیم الله و ... می بودند که نیستند.

۴. تخلص خانوادگی هم نا همخونی مرحوم واصفی را از مرحوم عبدالرشید خان جلوه می دهد. مرحوم عزیزالله پسر شادروان حبیب الله تخلص خود را واصفی گذاشت. اما سایر پسران شخص مرحوم عبدالرشید خان تخلص خویش را "رشید" انتخاب کردند. درین شکی نیست که هر فردی حق دارد تخلص خاص خود را داشته باشد، اما معمول است که نام فامیلی را منحیث تخلص همه اعضای فامیل مورد استفاده قرار می دهند.

۵. عکس ها شباهت هائی را بین پدر و پسر یعنی مرحوم عزیزالله واصفی و مرحوم امیر حبیب الله کلکانی "بچه سقو" تبارز می دهد. طوری که در بالا متذکر شدم؛ هر چند یگانه راه حل تحلیل دی ان ای است که می تواند شک و تردید را مرفوع سازد، با آنها اگر جنابعالی عکسی از «رشیدخان» را در اختیار داشته باشید، لطف نموده آن را منتشر سازید تا حد اقل از مقایسه عکسها، بین ۹۰ درصد و ۱۰ در صد قضاوت شده بتواند.

۶. شما می فرمائید که "بچه سقو" بی بی بینظیر خواهر مرحوم برشنا را به "اصرار و زور او را به نکاح خود درآورد". اگر این ادعای جناب شما درست باشد، پس عکس العمل خانواده محمد زائی چه بوده است؟ آیا این خانواده با غیرت خاموش ماندند و یا این که از "بچه سقو" انتقام کشیدند که باید هم چنین می شد. طوری که تاریخ گواهی می دهد خانواده محمد زائی به ارتباط ازدواج بی بی بینظر با "بچه سقو" نه تنها تأثیری از خود نشان ندادند، بلکه به گفته خودتان که گویا در راضی ساختن بینظیرخانم به رفتن به خانه امیرکلکانی مادرکلان جنابعالی هم سهیم بودند، شاهدیست بر این که نظر پیشکش باید مورد تأیید قرار بگیرد.

۷. سخن اخیر این که من می خواهم از دانش بیکران شما پیرامون ایدئولوژی "کمونیسم" مستفید شوم. شما خلقیان و پرچمیان میهن فروش و قاتل ملت را کمونیست خطاب می نمائید در حالی که این دو گروه خاین به مردم، خود را کمونیست نمی گفتند. از جناب شما تمنا دارم که ذهن مرا درین خصوص روشن سازید که کمونیسم چیست و کمونیست کی است. امیدوارم آثاری را که به ارتباط کمونیسم توسط نویسندگان چپی و راستی به نشر رسیده، در اختیارم بگذارید تا من هم از فضیلت شما بی نصیب نمانم. همچنان از دست اندرکاران پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" و نویسندگان و همکاران آن آرزومندم که درین بحث مهم شریک شده و روشنی ببندازند.

۸. این که فرموده اید، از من شناخت ندارید، کاملاً حق به جانب هستیید زیرا من در سن و سالی نیستم تا نظر جنابعالی را جلب نموده باشم. هر چند به نظر من بهتر است در چنین مواردی باید فرد خود را با مدعا درگیر

نماید نه با مدعی، با آنهم جهت اطمینان خاطرتان باید بنویسم، بنده در کابل زاده شده و در همینجا بزرگ شده اینک تازه به نوشتن آغاز نموده ام. یعنی سن و سالم در حدیست که با تأسف در وطنی زندگانی نموده و بزرگ شده ام که از سوء اداره خاندان طلائئ و حواریون آنها تمام عمر را در دوزخی زیسته ام، که نام آن افغانستان است. می توانید مطمئن باشید نه پرچمی بوده ام، نه خلقی و نه هم شعله ئی و یا اخوانی. افغان آزادی بوده و هستم که هیچ چیزی را برتر از آزادی وطنم و سعادت مردم نمی دانم. با همین خصوصیات چون خود خوشبختانه امکان رفتن به امریکا و معرفی مستقیم خود را با شما ندارم، از جناب شما تقاضا دارم تا اگر در آینده باز هم سروکارتان به "دیده بوسی" ها افتاد و به ناگزیر به افغانستان قدم رنجه نمودید، افتخار پذیرائی تان را در شهر کابل از این شاگرد دبستان سیاست دریغ نوزید، تا هم شما شناختی از من پیدا نمائید و هم من بتوانم، از دانش و تجارب گرانبهای تان مستفید بگردم.

با عرض حرمت

عبدالله امینی از کابل